

ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌ای مستخرج از سوره مبارکه بقره

فاطمه صحرائی پاریزی -

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

مریم برهمن -

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

چکیده

تفکر انتقادی به منزله یک مهارت اساسی برای تربیت عاقلانه انسان در جامعه اسلامی شناخته شده است. قرآن کریم به عنوان منبعی جهت دعوت به تفکر برای همه انسان‌ها حاوی مؤلفه‌های تفکر انتقادی است. هدف پژوهش حاضر ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌ای مستخرج از سوره مبارکه بقره است. روش پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. توصیفی به این دلیل که هدف پژوهشگر توصیف عینی، واقعی و منظم موضوع بوده است و از سوی دیگر تحلیلی، به این دلیل که هدف آن تبیین ویژگی تفکر انتقادی حاصل از بررسی آیات سوره مبارکه بقره بود. برای رسیدن به هدف پژوهش، آیات مرتبط به صورت هدف‌مند از قرآن کریم انتخاب شده است، سپس از طریق تحلیل کیفی، با استفاده از تحلیل محتوایی استقرایی - قیاسی به شیوه کدگذاری باز داده‌های جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفکر انتقادی از جمله موضوعاتی است که در آموزه‌های اسلام تصریح و در قرآن مؤلفه‌هایی برای تفکر انتقادی ذکر شده است. در نهایت برای هر یک از مؤلفه‌ها مصادیقی از سوره مبارکه بقره استخراج شد. نتایج پژوهش به تبیین مؤلفه‌هایی برای تفکر انتقادی انجامید که عبارتند از: قصه‌گویی، پرسشگری، داوری با معیار مشخص، تمثیل، استدلال، تحلیل انتقادی، پرهیز از تعصب و اغراض شخصی، عدالت‌ورزی و حقیقت‌جویی.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی؛ تربیت آیه‌ای؛ قرآن؛ سوره بقره

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

sahraii.fateme@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

brahman@yahoo.com

ایران

مقدمه

تفکر، تلاش و پویایی است که هنگام مواجهه انسان با معماها در وی جریان می‌گیرد، خواه این معماها سراب و سرگرمی باشند، خواه گرهی در کار باشند و گشودن آنها در عمل سودمند افتد و یا آنکه فراتر از این دو، پرده‌ای بر راز و حقیقتی باشند که با گشودنش، بصیرت و وسعتی در آدمی جای گیرد. تفکر، جریانی است که در آن فرد کوشش می‌کند مشکلی را که با آن روبه‌رو شده است، مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خویش به حل آن اقدام کند (حل مسئله). حل مشکل انسان در سایه تفکر و تعقل صورت می‌گیرد. تفکر، انواع و ابعادی دارد که یکی از آنها، تفکر انتقادی است که ملازم با ارزیابی می‌باشد. توانایی تفکر انتقادی مهارتی است که باید آموخته شود و به معنای تفکر صحیح برای ارزیابی مسائل است. تفکر انتقادی یکی از ابعاد وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود. این تفکر با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاو و ترقی‌طلبی منطبق است (ابراهیمی دینانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در سیر تاریخ اندیشه‌های فلسفی به این مهم توجه ویژه‌ای شده است و تفکر انتقادی به عنوان مفهوم پیچیده، فرایند پیچیده‌ای را شامل می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۹). همچنین امروزه نقش تفکر انتقادی در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه گسترده فیلسوفان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در دنیای صنعت و تولید خدمات نیز نقش اندیشه و تفکر، مهم‌تر شده و در تاریخ ملت‌ها و زندگی انسان‌ها به عنوان ثروت اصلی معرفی می‌شود (ریاضی، ۱۳۸۴: ۵). تفکر انتقادی، نقد کردن صرف یا نگاهی گله‌مندانه و شکایت‌آمیز نیست؛ بلکه نگاهی تیزبینانه است. تفکر انتقادی یکی از مشخصه‌های مهم فرایند تربیت تلقی می‌شود، زیرا می‌تواند تناقض‌های جریان تربیت را رفع کند. در گذشته کم‌تر فکر می‌شد که ممکن است افراد را متفکر و خلاق بار آورد، باور همگانی درباره ماهیت تفکر این بود که این خلاقیت و تفکر، کیفیاتی ذاتی و موروثی است که به هیچ‌وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها نیست. صاحب‌نظران تفکر انتقادی تأکید دارند مهارت تفکر انتقادی در فرایند تبادل اندیشه به بهترین وجه پرورش می‌یابد؛ همان‌طور که مفاهیم و کار در هر رشته خاص فراگرفته می‌شوند، مهارت‌های تفکر انتقادی هم قابل انتقال و آموزش هستند. لیمن صاحب‌نظر در تفکر انتقادی آن را به عنوان یکی از مهارت‌های فکر کردن و پایه‌گذاری آن را از دوران کودکی می‌داند (فیشر، ۲۰۰۵: به نقل از صفایی مقدم و تجریان، ۱۳۸۶: ۲۰) (مایرز، ۱۹۴۲: به نقل از ابیلی، ۱۳۷۴:

۴۰). لیپمن اذعان کرد در دوران تدریس در دانشگاه متوجه شدم که دانشجویان فاقد قدرت استدلال و قدرت تمیز و داوری هستند؛ اما برای تقویت قابل ملاحظه قدرت تفکر آنها، دیگر بسیار دیر شده بود، به این نتیجه رسیدم که این کار باید در دوران کودکی انجام می‌گرفت. وی معتقد است که تفکر انتقادی نسبت به تفکر عادی، پیچیده‌تر است و مستلزم فرایندهای عالی ذهن و داوری براساس شواهد و مدارک است. براین اساس، مشخص کردن و بیان کردن مسائل، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل پرسش‌ها، مشاهده و قضاوت درباره یک منبع، سازماندهی اطلاعات و نتیجه‌گیری و بررسی نتایج همه فعالیت‌هایی هستند که در تفکر انتقادی رخ می‌دهند (ناجی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). تفکر انتقادی قضاوتی هدف‌مند و خودتنظیم است که به تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط، همچنین تبیین ملاحظات بدیهی، مفهومی، روش‌شناسانه، و معیاری مبتنی بر زمینه‌ای که قضاوت انجام می‌گیرد، منجر می‌شود (کلهر، مهران، ۱۳۹۵: ۱۵۷). دکتر قائدی در پایان‌نامه خود در اهمیت تفکر انتقادی گفته است: که تفکری ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود و دیگران منجر می‌شود. این نوع تفکر، انسان را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به او مهارت و توانایی‌هایی می‌بخشد تا به جای تقلید کورکورانه بتواند در جستجوی حقیقت باشد. در اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی، باید گفت که تفکری جواکگو و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود و دیگران منجر می‌شود. تفکر انتقادی کودک را از حالت انفعالی بیرون می‌آورد و به او مهارت و توانایی‌هایی می‌بخشد تا به جای تقلید کورکورانه بتواند با تمسک به تفکر انتقادی در جستجوی حقیقت باشد. مهارت تفکر انتقادی برانگیختن توجه یا هدایت پرسش‌های کودکان به سوی جنبه‌هایی از اندیشیدن است که فلسفه انجام و فرجام آن است؛ جنبه‌هایی مانند کشف و درک پیوند منطقی گزاره‌ها و بنیادهای منطقی‌شان و رسیدن به اندیشه‌ها و حتی خیال‌پردازی فراتر از سطح قضاوت‌های تجربی و دریافت محدود منطقی. براساس این نقطه‌نظر، آغاز داشتن تفکری انتقادی در شگفت‌زدگی، پرسشگری و شوق فهمیدن و هدفش درک عقلانی و منطقی امور است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷). آیات قرآن با الفاظ و تعابیر مختلف نشان‌دهنده اندیشه و تفکر انتقادی است. درواقع می‌توان گفت یکی از جریان‌های فکری که می‌تواند، نظامی عقلانی را در جهان برقرار کند، اسلام است^۱. اندیشیدن، تفکر و تفکر انتقادی از نظر اسلام واژه‌ای بیگانه نیست و

۱. در عالم هستی ابزار معرفت دنیا برای انسان حس، عقل و شهود می‌باشد که هر سه محدود و خطاپذیر است. لذا اطمینان آور نمی‌باشد. اما دانش دین که در اختیار انسان قرار گرفته چون از مبدأ وحی سرچشمه می‌گیرد، از هرگونه خطایی مبرا است.

در تعالیم دینی از جایگاه پسندیده‌ای برخوردار بوده و به آنها سفارش شده است، به طوری که ۱۳۸ آیه قرآن به پرسشگری و تشویق به تفکر می‌پردازند (محمدی پویا، صالحی، ۱۳۹۳: ۳۴). اصطلاح تربیت آیه‌ای نیز به مفهوم هر آیه قرآن را به‌عنوان نشانه تربیتی دیدن و از سطح درگذشتن و به اعماق دست‌یازیدن است. آیات به‌عنوان نشانه تربیتی ویژگی رمزگونه‌بودن را دارند و هر رمزی به چیزی بیش از ظاهر خود دلالت دارد و آن راز و رمز است که با خود به‌همراه دارد. این راه تربیت مستلزم چشمی بینا، عقلی ناب و دلی بیدار است. اهمیت و ضرورت تربیت آیه‌ای در این است که آیات قرآن را به‌عنوان نشانه‌ای تربیتی دیدن و با آن نشانه‌ها ارتباط برقرار کردن است، نه نگاهی همچون ماتریالیست‌ها و پوزیتیویسم‌ها نگاهی مادی‌گرایانه داشتن، بلکه نگاهی قرآنی که همه آیات، نشانه‌ای تربیتی با خود دارند که انسان را به نگاه و تفکری انتقادی رهنمون می‌سازد (ملکی، ۱۳۹۶: ۱). نگاهی به قرآن و آیات آن ضرورت استفاده از تربیت آیه‌ای و تفکر انتقادی را به‌عنوان ابزار کارآمد و پالاینده افکار را روشن می‌سازد. یکی از امتیازان قرآن این است که خود یک کتاب تربیتی است و همه آیات آن به طور مستقیم و غیرمستقیم در مقام تربیت انسان برای تمامی دوره‌های سنی رهنمودهای تربیتی ارائه داده است. لذا قرآن، گذشته از جنبه هدایتی‌اش، منبع مهم دانشی در باب اصول و روش‌های تربیتی برای سنین مختلف، از کودک گرفته تا سالخورده و برای تمامی مراحل زندگی، از پیش از تولد تا هنگامه مرگ است. با توجه به جایگاه ارزشمند خردورزی و تفکر عاقلانه در اسلام می‌توان با کاوشی در آیات قرآن به جایگاه تفکر انتقادی در اسلام پی‌برد (مقتدایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بنابر این یافته‌ها، این کتاب انسان‌ساز مصادیق بی‌شماری برای اندیشه و تفکر انتقادی دارد که با استنتاج و بهره‌گیری از آن می‌توان نظام تعلیم و تربیت را سرشار از آموزه‌های اسلامی کرد و انسان را به سمت سعادت بیشتر سوق داد. در این مقاله سعی شده است با نگاهی دقیق و همه‌جانبه در آیات سوره بقره به بررسی تربیت آیه‌ای که تربیتی نظام‌مند، هماهنگ و منسجم است، پرداخته شود. در اینجا سؤال مطرح شده این می‌باشد که مؤلفه‌های تفکر انتقادی که می‌توان برای آنها با کمک تربیت آیه‌ای (نشانه‌ای) از آیات قرآن مصادیقی ارائه داد، کدامند؟ مقاله حاضر به دنبال ارائه این مؤلفه‌ها و استنتاج مصادیق آنهاست. توجه به تفکر، تعقل و تفکر انتقادی از دیرباز مورد تأکید

قرآن و سنت اسلامی بوده است. در واقع یکی از جریان‌های فکری منظمی که در طول سال‌ها توانست نظامی عقلانی بنا کند و روند رو به رشد خود را در جهان طی کند، اسلام بود. با توجه به اینکه تفکر انتقادی مورد توجه پژوهشگران و دانشمندان قرار گرفته در این مقاله سعی شده است که مؤلفه‌های آن از آیات سوره مبارکه بقره استخراج شود. با توجه به اینکه قرآن کتاب راهگشای ما انسان‌هاست و برنامه زندگی را با خود دارد، بررسی تفکر انتقادی در این کتاب مقدس می‌تواند راهگشایی برای حل مشکلات جدید باشد و چشم انداز جدیدی، را پیش روی انسان‌ها بگشاید.

در این راستا پژوهش‌هایی صورت گرفته است. ابراهیمی دینانی، نوروزی و خنجرخانی (۱۳۸۷) اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی را تبیین و سپس چگونگی آموزش و ایجاد این نوع تفکر را در فراگیران بیان نموده‌اند. کریمیان، ناطقی و سیفی (۱۳۹۵) به بررسی وجوه افتراق و اشتراک در تفکر انتقادی و تربیت اسلامی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تفکر انتقادی به‌عنوان مهم‌ترین فرایند رشد و تحول عقلانی با رویکرد تربیت اسلامی کاملاً سازگاری دارد. کویکی، حری و مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) به شناسایی مهارت‌های تفکر انتقادی پرداخته‌اند و پیوندی میان مؤلفه‌های تفکر انتقادی و عناصر داستانی برقرار کردند. محمودی، نوروزی و نجفی (۱۳۹۰) به بررسی تفکر انتقادی از دید امام علی (ع) براساس ویژگی‌هایی که آن حضرت از تفکر انتقادی عرضه کرده‌اند، پرداخته‌اند که به مؤلفه‌های تدبیر، استدلال بر مبنای قضایای پیشین، تفکر واگرا، پرسشگری و توجه به آراء مختلف اشاره کرده‌اند. کشانی و رستمی‌نسب (۱۳۹۵) به بررسی الگوهای تحریک و بسط تفکر برای کودکان در قرآن پرداخته‌اند و به مشابهت‌هایی بین روش تحریک تفکر در قرآن و لیمن رسیده‌اند. نگاهی به پیشینه پژوهش‌هایی که در این ارتباط انجام شده است، نشان می‌دهد آنچه که مورد توجه قرار گرفته اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی، ارائه مؤلفه‌هایی کلی از قرآن، جایگاه تفکر انتقادی بوده است، اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام شده، مؤلفه‌های تفکر انتقادی را با جزئی‌نگری و با توجه به تربیت آیه‌ای از قرآن، استخراج نکرده است که مقاله حاضر دنبال انجام این پژوهش است. می‌توان نوآوری این مقاله را در اتخاذ رویکرد اسلامی به تفکر انتقادی براساس منابع دست اول و شناسایی مؤلفه‌های آن به‌طور روش‌مند دانست. پژوهش‌هایی که با نگاهی اسلامی به تفکر انتقادی پرداخته‌اند به‌جز دو مورد که یکی بر نظریات امام علی (ع) مبتنی است و دیگری منبع آن قرآن است که وجه تمایز آن با مقاله حاضر در این است که مقاله حاضر با توجه به تربیت آیه‌ای با نگاهی جزئی‌نگر به آیات سوره بقره، به استخراج

نشانه‌های تربیت تفکر انتقادی پرداخته است. از آنجا که تربیت آیه‌ای (نشانه‌ای) مغفول واقع شده و هیچ پژوهشی در این راستا انجام نگرفته است، لذا در این پژوهش تلاش شده است با کمک تربیت آیه‌ای و با نگاهی ویژه به تفکر و جایگاه آن در قرآن، مصادیق تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار گیرد که این مصادیق به مثابه شاخصه‌هایی برای جهت‌دهی تفکر تک‌بعدی و یک‌جانبه‌نگر به سوی تفکر انتقادی معرفی می‌شود.

روش پژوهش

هدف این پژوهش ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌ای مستخرج از سوره مبارکه بقره است. روش کار در این پژوهش بر بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی است. توصیفی به این دلیل که هدف پژوهشگر توصیف عینی، واقعی و منظم موضوع است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۸: ۷۲)، و از سوی دیگر تحلیلی است به این دلیل که هدف آن، تبیین ویژگی تفکر انتقادی حاصل از بررسی آیات سوره مبارکه بقره است (سرمد و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۷ و ۱۲۶). جامعه آماری تحقیق شامل قرآن کریم می‌باشد که با توجه به گسترده بودن و حجم زیاد کل آیات قرآن در این پژوهش سوره مبارکه بقره انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند است. نمونه‌ها با مراجعه به ترجمه و تفسیر نور شامل آیاتی از سوره بقره که حاوی گزاره‌های مرتبط با تفکر انتقادی است، استخراج شد. برای این منظور، از هر سه سطح هرمونوتیکی نطق، استنتاج و انطاق (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۵) بهره گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به شیوه تحلیل کیفی و تحلیل محتوای استقرایی - قیاسی به شیوه کدگذاری باز، در سه مرحله کتاب‌شناسی، استخراج و معناکاو و تفسیر نتایج صورت گرفته است. بنابراین، در مرحله نخست، پژوهشگر دو کار اساسی انجام داده است: ابتدا مطالب مربوط به مؤلفه‌های تفکر انتقادی را جمع‌آوری و بعد تجزیه و تحلیل کرده است و سپس برخی از آیات سوره بقره که دارای مصادیق تفکر انتقادی بودند برای مفهوم‌شناسی تربیت آیه‌ای احصا شده است. در مرحله دوم، با توجه به اهداف تحقیق پس از تنظیم یادداشت‌های مرحله نخست، از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است؛ یعنی از طریق فرایند کدگذاری، داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و تحلیل شده، سپس در قالب مؤلفه‌های تفکر انتقادی سوره مبارکه بقره سامان گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یکی از مواهب ارزشمندی که خالق هستی به انسان ارزانی داشته، قدرت تفکر است. به این معنا، همه متفکرند و علت اینکه قومی مورد نکوهش قرار گرفته‌اند، به علت نداشتن تفکری معین بوده است. از این رو یکی از ویژگی‌های عمومی انسان، اندیشه‌ورزی اوست (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵). از جلوه‌های برجسته تفکر انتقادی، عجین شدن تعقل و اندیشه با تدبیر و عاقبت‌اندیشی است؛ به طوری که در سخنان امام علی (ع) به چشم می‌خورد زمانی که ایشان چاره کارها را به رأی و رأی را به فکر و تأمل باز می‌گرداند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۶). بی‌گمان قرآن کریم که نسخه کامل و بی‌بدیل هدایت آدمیان به قله‌های کمال و سعادت است، نمی‌تواند از توجه جدی به این ویژگی مهم انسان غفلت کرده باشد. با بررسی آیات وحی این حقیقت به دست می‌آید که قرآن، افزون‌بر آنکه مردم را به تفکر عمیق و سنجش‌گرانه فرامی‌خواند و اهمیت آن را در زندگی انسان متذکر می‌شود، مسیر، منابع، لغزشگاه‌ها و نتایج تفکر نقادانه صحیح را نیز به آنها معرفی می‌کند. بر این اساس، قرآن یک نظام معین و منطقی را در باب تفکر ارائه می‌دهد که هر کدام از اجزای آن در جای خود قرار گرفته، از آغاز، انجام و سیر مشخصی تبعیت می‌کند. در مکتب انسان‌ساز اسلام به بحث و نظر توجه خاصی شده است و بدون اجبار، انسان‌ها به تفکر انتقادی و انتخاب دعوت شده‌اند^۱ «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» «در پذیرش اکراهی نیست» (بقره/۲۵۶) تفسیر این آیه معروف می‌گوید: دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»: درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود. این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنی» (بقره/۲۱۹). باتوجه به معنا و تفسیری که برای این آیه آمده است، این آیه با پرسش‌ها و پاسخ‌هایی قدرت تفکر و تعقل و پرسشگری را در انسان زنده می‌کند.

۱. کلی‌بودن یک موضوع نشان از آن دارد که مراحل مختلف را شامل می‌شود، بنابراین، چون تفکر به صورت کلی بیان شده است، شامل همه دوران‌ها از کودکی تا پایان زندگی می‌شود.

«أَيُّوَدُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» «آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد و برای او در آن (باغ)، از هرگونه میوه‌ای وجود داشته باشد، درحالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاق‌های خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید بیندیشید» (بقره/۲۶۶). مثال‌های ذکر شده در این آیه برای دعوت به فکر کردن آمده است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۲۳).

این آیات قرآن اندیشه‌ورزی را صرفاً متوجه گروه خاصی نکرده، بلکه همگان را به این مهم فراخوانده است. این فراخوان مطلق، نوعی آزادی کامل درباب اندیشه‌ورزی رقم می‌زند (کلانتری، ۱۳۸۶: ۳۳). صاحب‌نظرانی چون سقراط، لیمن، دکارت، فیشر، دیویی و انیس تحلیل و ارزیابی، پرسشگری، قضاوت، خودداری از رفتار شتاب‌زده، تجزیه و تحلیل، صداقت و عدم سوگیری، استدلال و قضاوت و عدالت در ارزشیابی و... را مؤلفه‌هایی برای تفکر انتقادی دانسته‌اند. در این مقاله مؤلفه‌هایی که صاحب‌نظران بیشتر بر آنها تأکید داشته‌اند، استخراج شد. با توجه به هم‌پوشانی تعدادی از آنها، در نهایت نه مؤلفه مشخص شده است که عبارتند از: قصه‌گویی، پرسشگری، داوری با معیار مشخص، تمثیل، استدلال، تحلیل انتقادی، پرهیز از تعصب و اغراض شخصی، عدالت‌ورزی و حقیقت‌جویی.

در جریان این تحقیق برای استخراج مصادیق برای این مؤلفه‌ها ترجمه قرآن به‌طور دقیق مورد خوانش و مرور قرار گرفته است. سپس براساس تفسیر نور آیه به آیه سوره مبارکه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با توجه به مؤلفه‌های مشخص شده تربیت آیه‌ای (نشانه‌ای)، مصادیقی از آیات سوره بقره برای مؤلفه‌ها ارائه شده است. به‌منظور کیفیت‌بخشیدن به تبیین مصادیق با مؤلفه‌ها، پس از بررسی دقیق و در نظر گرفتن ویژگی هر مؤلفه، به تبیین پرداخته شد؛ به‌نحوی که هر یک از مصادیق بیشترین ارتباط را با مؤلفه‌ها داشته باشد.

قصه‌گویی

اولین مؤلفه و بیشترین مؤلفه تفکر انتقادی، قصه‌گویی است. روش قصه‌گویی در قرآن وسیعاً

به کار گرفته شده است. قرآن در اینجا زبان قصه را مورد استفاده قرار داده تا بر نفوذ و جاذبه آن بیفزاید؛ از داستان‌سرایی چشم پوشیده و هرگز به بیان امور ریز و درشت قصه توجهی نکرده است و مواردی از قصه که دانستن آن فایده‌ای دربر ندارد، حذف شده است. به همین سبب، قصه‌گویی در قرآن، همواره با به‌دست‌دادن رهنمودهایی برای عمل همراه است (باقری، ۱۳۹۳: ۲۱۹). علامه طباطبایی می‌نویسد: قرآن کتاب دعوت و هدایت است و در این رسالت هدفی دارد، و راه را به سمت تاریخ و رشته‌ای دیگر کج نمی‌کند؛ زیرا هدف قرآن تعلیم تاریخ و رمان‌نویسی نیست (فعال عراقی، ۱۳۸۰: ۱۲۸). بیشترین محتوای قرآن در راستای دعوت به تفکرورزی، قصه می‌باشد. قصه پلی است به سمت تفکر. در قرآن تمرکز روی پیام‌های قصه و تفکر بر آنهاست. مفید، نیکو و درست‌بودن قصه از ویژگی‌های قصه‌هایی است که برای آموزش تفکر انتقادی باید مورد توجه باشد، پس نمی‌توان هر قصه‌ای را در این زمینه استفاده نمود و به هر شکلی ارائه داد. انسان به‌خاطر ویژگی‌های خاص روحی‌اش به قصه علاقه دارد پس با قصه می‌توان قدرت تفکر را در او پرورش داد. «فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: سپس گفتیم قسمتی از گاو را به مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند) خداوند این‌گونه مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد شاید درک کنید». (بقره/۷۳) در مورد ذبح گاو است که خداوند امر فرموده، قوم حضرت موسی با بهانه‌تراشی‌هایی می‌خواهند از امر خدا سرباز زنند، تربیت آیه‌ای در آیه (بقره/۷۳) به ما نشان می‌دهد، دیدن نشانه‌های قدرت الهی، برای تعقل دائمی انسان‌هاست، نه تعجب لحظه‌ای و اگر فکر و روح درگیر باشد، دیدن آیات الهی و تعقل در آن را در او بر نمی‌انگیزد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). قصه گاو بنی‌اسرائیل به یکباره در قرآن و در سوره بقره آمده است، در عین حال نکات ارزنده بسیاری در آن وجود دارد که ایجاب چنین شرح قصه‌ای را می‌کند. این قصه علاوه بر اینکه دلیل بر قدرت بی‌پایان خداوند بر همه چیز است، دلیلی بر مسئله معاد نیز می‌باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۳). براساس الگوواره قرآنی می‌توان یک قصه را به بخش‌های مختلفی که حاوی یک موضوع خاص است تقسیم کرد (مانند قصه موسی که در ۳۴ سوره قرآن آمده است). قرآن از سبک‌های مختلفی برای ارائه قصه استفاده کرده است؛ مثلاً تکرار یک قصه با تأکید بر مضمون واحد محتوا در سطوح و ابعاد مختلف فکری مانند سیره قوم بنی‌اسرائیل که با این شیوه در سوره‌های مختلف آمده است (فقیهی، دهقانی، ۱۳۹۴: ۸). با توجه به مؤلفه قصه‌گویی می‌توان به‌طور خلاصه آنها را در چند مورد نام برد: تکرار قصه، تقسیم قصه به

بخش‌های مختلف و قصه را همراه با پیام آن آوردن.

پرسشگری

اهمیت پرسشگری در کودکی به این دلیل است که باعث رسیدن به درجه پاسخگویی در سنین بالا می‌شود. در واقع، کسی که در کودکی پرسشگر باشد، از این طریق علمی به دست می‌آورد که با آن می‌تواند در بزرگسالی پاسخگویی پرسش‌های دیگران باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۴۵). پرسشگری مؤلفه‌ای است که در تربیت آیه‌ای قرآن کریم کاربرد بسیار زیادی داشته است. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که قرآن بارها بر آن تأکید کرده‌است؛ مهارت پرسشگری است. در باب خداشناسی آیه ۲۸ سوره مبارکه بقره بهترین راه خداشناسی را پرسشگری در آفرینش خود و جهان می‌داند؛ «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»: چگونه به خداوند کافر می‌شوید، درحالی که شما اجسام بی‌روحي بودید و او شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، و بار دیگر شما را زنده می‌کند، سپس به سوی او باز می‌گردید. بنابراین، نه حیات و زندگی شما، از شماست و نه مرگتان، آنچه دارید، از خداست» (بقره/۲۸). تفکر در پدیده حیات و اندیشیدن و پرسشگری در مسئله مرگ، انسان را متوجه می‌کند که اگر حیات از خود انسان بود، باید همیشگی باشد؟! چرا قبلاً نبود؟ بعداً پیدا شد؟ و سپس گرفته می‌شود؟! خداوند می‌فرماید: اکنون که دیدید چگونه موجود بی‌جان، جاندار می‌شود، پس بدانید که زنده شدن مجدد شما در روز قیامت نیز همین‌طور است. مسئله حیات، حقیقتش مجهول، ولی آثارش در آیات الهی مشهود است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۸۷). پرسش‌ها مانند قصه تنوع دارند و از پرسش‌ها می‌توان برای جلب توجه مخاطب سود برد، گاه سؤال متربی را با سؤالی دیگر بسط داد و یا سؤالی که خود مطرح نموده با سؤالی دیگر توضیح داد. کودکان را به سمت تفکر در مورد موضوع دعوت کرد. استفاده از پرسش‌های چالش‌انگیز و وجودی و پرسش در باب خلقت پدیده‌ها یه‌آنتیدی از رویکردهای معمول قرآن است. یکی از الگوهایی که در قرآن فراوان مورد توجه قرار گرفته، دعوت به تفکر است «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَمْ لَا تَعْقِلُونَ»: آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمائید؛ باینکه شما خودتان کتاب را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟» (بقره/۴۴). دعوت به تفکر و پرسشگری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آیات قرآن است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در تربیت آیه‌ای (بقره ۱۳) «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ

السُّفَهَاءُ وَ لَكِنَّ لَا يَعْلَمُونَ»: و چون به آنان گفته شود، شما نیز همان گونه که (سایر) مردم ایمان آورده‌اند، ایمان آورید، (آنها با تکبر و غرور) گویند: آیا ما نیز همانند ساده اندیشان و سبک مغزان، ایمان بیاوریم؟! آگاه باشید! آنان خود بی‌خردند، ولی نمی‌دانند. می‌بینیم که قرآن سیر تفکر انتقادی را با پرسش از گروه خاصی هدایت کرده و نشانه‌ای از منافقان را مطرح نموده و می‌تواند با دادن پاسخ‌های بدیل و متفاوت به یک موضوع، جنبه‌های تازه‌ای از یک پدیده وارد کرده و تفکر آنها را عمیق‌تر نماید. برای دستیابی به این منظور می‌توان پرسشی را مطرح کرد که درونش استدلالی وجود دارد و از این طریق باب جدیدی از بحث را برای آموزش تفکر انتقادی باز کرد. «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»: ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن. هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم؟! و نیز می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید» (بقره/۳۳). در قرآن انواع پرسش با گزاره‌های آیه، چه، چگونه و چرا مطرح شده است. با طرح پرسش‌های چالش‌برانگیز، مهارت‌های عمیق‌دیدن، عمیق‌شنیدن و توجه به موضوعات پیرامونی که اغلب ساده از کنار آن می‌گذریم، تقویت می‌شود. پرسشگری در قرآن را می‌توان در طرح پرسش با گزاره‌های مختلف و طرح پرسش‌های چالش‌برانگیز جمع‌بندی نمود.

داوری با معیار مشخص

بررسی‌های انجام گرفته در مورد تربیت آیه‌ای در سوره بقره نشان می‌دهد که در چندین آیه با مؤلفه داوری و قضاوت با معیار روشن و مشخص مورد توجه قرآن قرار گرفته است، از جمله «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: به خاطر بیاورید هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود و او به‌خوبی از عهده آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده؛ خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند» (بقره/۱۲۴). بررسی تفسیر این آیه داوری با معیار مشخص را نشان می‌دهد آن زمان که حضرت ابراهیم در مورد امامت فرزندانش از خدا پرسش کرد و خداوند در جواب فرمود: «اگر شایسته باشند می‌دهم، زیرا عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید»، این آیه یک پشتوانه فکری قرار گرفته است بر اینکه پیشوا و امام باید

معصوم باشد. کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی اش، تکلیف نمی کند. انسان هر کار نیکی را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار بدی کند، به زیان خود کرده است. مؤمنان می گویند: پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آنچنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند، قراردادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان» (بقره/۲۸۶). اگر به دنبال ارزیابی و قضاوت در مورد بازتاب اعمال خود و میزان تکالیفی که خداوند به انسان واگذار کرده باشیم، این آیه معیارهای مشخصی به انسان ارائه می دهد: تکالیف الهی بیش از توان انسان نیست، اعمال ما آثاری دارد که بازتابش به خود ما بازمی گردد، انجام و ترک دستورات به نفع و ضرر ماست. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»: هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد؛ فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟ زیرا موجودات زمینی دیگر که قبل از این آدم پا به عرصه وجود گذاشتند، به حکم طبع جهان ماده نیز آلوده فساد و خونریزی شدند، اگر هدف از آفرینش انسان عبادت است، ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید» (بقره/۳۰). براساس تفسیر آیه خداوند با آوردن دلایل مشخص به سؤال فرشتگان زمانی که به آفرینش انسان اعتراض کردند جواب داد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۲). «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»: ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید) و تمام حرامها قابل قصاص است و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی

نمایید!) و بدانید خدا با پرهیزکاران است» (بقره/۱۹۴). زمانی که اسلام مورد قضاوت قرار می‌گیرد و گفته می‌شود مسلمانان به جنگ و خونریزی پرداخته‌اند؛ در صورتی که اسلام خود را دین جنگ و خونریزی معرفی نکرده است، با آمدن دلایل روشن در این آیه، زمینه برای قضاوت درست فراهم می‌شود. تفسیر آیه مربوطه به ما نشان می‌دهد که حفظ جان مسلمانان مقدم بر هر زمان و مکان مقدسی است؛ یعنی اگر در زمانی خاص به مسلمانان تعدی شود، آنها اجازه دفاع از خود را دارند. تربیت آیه‌ای در آیات ذکر شده بردارنده نشانه‌ای برای تفکر انتقادی هستند که بدون داشتن معیاری مشخص باید از تعجیل در قضاوت و داوری اجتناب شود. باتوجه به مؤلفه فوق می‌توان تفکر انتقادی را به معنای کاربرد دیدگاه و رویکردها به جای پذیرش ساده و بدون ارزیابی قضاوت‌ها، نگرش و اطلاعات دیگران تعریف کرد. از این رو، باید معیار و ملاک مشخصی در قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها مدنظر قرار داده شود. یکی از صاحب‌نظران معروف به نام دیویی در کتاب چگونه فکر می‌کنیم؟ ماهیت و ذات تفکر انتقادی را تردید سالم، نقد سازنده و پرهیز از تعجیل در قضاوت تعریف می‌کند. به عبارت دیگر او تفکر انتقادی را بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند. از این رو باید معیار و ملاک مشخصی در قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها مدنظر قرار داده شود. تفکر انتقادی یعنی پرهیز از تعجیل در قضاوت و معیار مشخص داشتن برای قضاوت است که از نمونه آیات ذکر شده این مؤلفه استنباط می‌شود.

پرهیز از تعصب و اغراض شخصی

داشتن تواضع فکری بدان معناست که انسان به صورت موقت، آراء خود را باور داشته باشد تا با استدلال و شواهد جدید آنها را تغییر دهد. تعصب نیز بر دو قسم است: مذموم و ممدوح (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۱۷). تعصب با باری منفی که دارد و به معنای لجاجت، تکبر و وابستگی غیرمعقول به کسی یا چیزی است و از پیامدهای آن تقلید کورکورانه و جموداندیشی است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَكَأَيُّ هَيْهَاتُونَ». و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نمائیم، آیا نه این است که پدران آنها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند؟» (بقره/۱۷۰). تفسیر و پیام آیه مربوطه این است که تعصبات نژادی و قبیله‌ای از زمینه‌های نپذیرفتن حق است. پیروی از نیاکان اگر همراه با استدلال و تعقل نباشد، قابل پذیرش نیست. پیروی و تقلید کورکورانه از گذشتگان درهای عقل و تفکر را بر انسان می‌بندد

(مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۰). می‌توان از این ویژگی تفکر انتقادی این چنین برداشت کرد که تعصب و غرض‌ورزی از جمله موانع و آسیب‌های جدی بر تفکر انتقادی است. فردی که به مرحله تفکر انتقادی می‌رسد، هیچ تعصب و باور غیرمنطقی ندارد و همیشه آراء و افکار خود را به دید انتقادی نگاه می‌کند و با صبر و حوصله مدام تلاش می‌کند آراء و اعمالش را اصلاح کند. بنابراین، فرد دارای تفکر انتقادی در قضاوت درباره امور مختلف کلیت موضوع را به‌مثابه یک نقشه در مقابل چشمانش به تصویر کشیده و تصمیم می‌گیرد و به باور و برداشت غرض‌ورزانه و غیرمنطقی اجازه دخالت نمی‌دهد. تربیت آیه‌ای در این آیات نشان می‌دهد که هدف تفکر انتقادی، تربیت انسان‌هایی است که از قضاوت شخصی دورند.

تمثیل

امور عقلی دارای پیچیدگی و ابهام است، از این‌رو برای رفع ابهام در مطالب عقلی آنها را به مسائل حسی تشبیه می‌کنند و از آنجا که وجه شبه در امور حسی روشن‌تر است، تمثیل سبب فهم امر عقلی پیچیده می‌شود. مثال، برای تفهیم مطلب به مردم، نقش مؤثری دارد، مسائل معقول را محسوس و بدینوسیله راه را نزدیک می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۶۵). تمثیل، صورتی از اندیشیدن و شکلی از سخن گفتن است که در آن، همانندی میان دو چیز مورد نظر است. در تمثیل، ویژگی‌ها و احکام یک شیء شناخته‌شده یا مانوس به شیء ناشناخته و نامانوس نسبت داده می‌شود و به این طریق آن شناخته یا مانوس می‌شود. تمثیل در ایجاد انس ذهنی نقش دارد. برای مثال، مطلب پیچیده یا فراری را می‌توان به کمک تمثیل، در ذهن ایجاد کرد. تمثیل، هم به سبب موجز بودن و هم به سبب ارتباط با پدیده‌های غالباً محسوس، توانایی آن را دارد که مطالب مفصل و گسترده را به نحو فشرده و همراه با تصاویر ماندگار، در ذهن بنشانند (باقری، ۱۳۹۳: ۶۷). برای نمونه، قرآن در مقام بیان کار منافقان: *مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ*: آنها (منافقان) همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک راه خود را پیدا کند) ولی هنگامی که آتش اطراف خود را روشن ساخت خداوند (طوفانی می‌فرستد و) آن را خاموش می‌کند و در تاریکی وحشتناکی که چشم کار نمی‌کند، آنها را رها می‌سازد» (بقره/ ۱۷). این آیه نیز در مقام تشبیه مجموعه‌ای از روحيات و حالات منافقان است. «یا همچون بارانی که در شب تاریک توام با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذرانی) بیارد، آنها از ترس مرگ انگشت در گوش خود می‌گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند و خداوند به کافران احاطه دارد و در

قبضه قدرت او هستند» (بقره/۱۹). پیام و تفسیر آیه این چنین است که خداوند منافق را به شخص در باران مانده تمثیل می‌زند که ترس و خوف او را فراگرفته و برای حفظ خودش پناهگاهی ندارد. منافقی که غرق در مشکلات است، از مرگ می‌هراسد، اما پناهگاهی ندارد. باتوجه به طولانی شدن مطلب به ذکر شماره آیه می‌پردازیم: (بقره/۲۶)، (بقره/۷۴)، (بقره/۲۶۱)، (بقره/۲۶۴)، (بقره/۲۶۵) و (بقره/۲۶۶). تمثیل‌های قرآنی هستند که خداوند برای تفهیم مطلب و تفکر عمیق آورده است و مؤلفه‌های تفکر انتقادی را می‌توان از مثال‌های قرآنی مورد بحث قرار داد. به‌عنوان نمونه عاقبت تفکر نکردن و یا نحوه درست سخن گفتن و بحث نمودن که در قرآن در قالب مثل آورده شده است. کم‌خردان و نفهمان در قرآن همچون مثل کسانی هستند که آتشی افروخته‌اند و چون آتش پیرامون آنان را روشنایی دهد، خدا نورشان را می‌برد و در میان تاریکی‌هایی که نمی‌بینند رهایشان می‌کند. باتوجه به مطالب ذکر شده، مثل آوردن گاهی ضرورت دارد و در صورتی که مشبّه از امور پست باشد، خداوند آن را به چیزهای پست تشبیه می‌کند و این طبیعی است که اشیای پست را نمی‌توان به امور عالی و خوب تشبیه کرد و پستی دو طرفِ مَثَل، ربطی به شأن گوینده ندارد و استحیا و خجالت در مورد آن بی‌معناست. ویژگی مثل این است که در باب وجهی از یک موضوع بوده و سبب درک بهتر، روشنگری و تفهیم مطلب آن می‌شود.

استدلال

یکی دیگر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی که در قرآن به آن اشاره شده است، استدلال می‌باشد و یکی از مبانی اساسی قرآن کریم است که همیشه در ظاهر و بطن آیاتش بر آن اشاره می‌کند. به عبارتی از طریق دلیل خواستن جنبه فکری تحریک می‌شود، استدلال‌ها می‌توانند صوری و خلاقانه باشند. منتها شرط منطقی بودن در هر مورد باید لحاظ شود، در مستدل بودن، عقلانیت با داوری درست اهمیت دارد. «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْهَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ»: آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده است، دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمائید با اینکه شما خودتان کتاب آسمانی را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟» (بقره/۴۴). «وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»: آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد». این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید» (بقره/۱۱۱). «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي

قال لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»: به خاطر آورید هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمون و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)» (بقره/۱۲۴). پیام و تفسیر آیات این چنین است هرگونه عقیده‌ای باید براساس دلیل باشد. قرآن مطالب خود را با دلیل بیان کرده است و از مخالفان نیز تقاضای دلیل می‌کند. تفکر انتقادی فرایندی شناختی است که فرد با بررسی دلایل به تصمیم‌گیری می‌پردازد.

تحلیل

از دیگر مؤلفه‌های تفکر انتقادی مورد توجه در قرآن کریم تجزیه و تحلیل است. قرآن کریم مباحث را با نگاهی ژرف تجزیه و تحلیل می‌کند. فردی که به تفکر انتقادی رسیده است، به دقت به تجزیه و تحلیل مباحث می‌پردازد تا به نتایج سالم برسد. تفکر انتقادی یک فرایند شناختی معرفی شده است که فرد در این فرایند با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده به نتیجه‌گیری می‌پردازد. تفکر انتقادی، فرایندی تحلیلی است که به فرد امکان می‌دهد در میان وقایع و اطلاعاتی که وی را احاطه کرده است حقیقت را جستجو کند و به هدفش که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است، دست یابد، تجزیه و تحلیل سبب می‌شود که ما شیوه درست فکر کردن و نگاه نقادانه را بیاموزیم. می‌توان تفکر انتقادی را به توانایی فرد برای تجزیه و تحلیل تعریف نمود. «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَوْ تَقَاتَلْتُمُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»: و آنها را بت پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آنجا که شما را بیرون ساختند [از مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران» (بقره/۱۹۱). بررسی تفسیر آیه نشان می‌دهد که مسلمانان و حتی کسانی که به اسلام ایمان ندارند، علت قتل و اخراج کفار را با دلیل و تجزیه و تحلیلی که قرآن ارائه داده متوجه می‌شوند. مقابله به مثل با دشمن را خداوند در مواردی لازم می‌داند. «وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلِقُوا رِءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا

أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسِعَتْهُ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»: و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید] و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفاره [آن باید] روزه‌ای بدارد یا صدقه‌ای دهد یا قربان بکند و چون ایمنی یافتید پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند] و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است این [حج تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [ممکنه] نباشد و از خدا بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است» (بقره/۱۹۶). در این آیه به تفصیل انجام وظایف دینی بیان شده است و خداوند با روشنگری مباحث دینی را تجزیه و تحلیل کرده است «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»: و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت پس از آن دیگر [آن زن] برای او حلال نیست، تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را برپا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند بیان می‌کند» (بقره/۲۳۰). بررسی تفسیر این آیه و آیه ۲۳۶ سوره مبارکه نشان داده است که در این آیات قرآن، بعضی از مقررات اسلام در مورد ازدواج و طلاق را جهت جلوگیری از تصمیمات عجولانه بیان نموده است.

عدالت‌ورزی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تفکر انتقادی استخراج شده از آیات سوره بقره مربوط به عدالت‌ورزی، نگاه عادلانه و بدون سوگیری است. از نشانه‌های عقل، عمل به روش عدل است (حکیمی، ۱۳۸۶: به نقل از آرمان، ج ۲: ۳۳۲). در واقع، وقتی فرد بر ظرفیت‌های تفکر انتقادی مسلط باشد و با چشم‌اندازی انتقادی و عمقی و تحلیلی مسائل را بنگرد، اسیر باورهای غرض‌ورزانه، زمینه‌ای، محیطی و فرهنگی خود نشده و فرهنگ، باور و همه امور زندگی خود را زیر سؤال برده و تحلیل می‌کند و در نتیجه در راستای قضاوت در مورد دیگران واقع‌بینانه و باتوجه‌به شرایط فعلی و

موقعیتی آنان دست به تصمیم‌گیری و اعمال نظر می‌زند، بنابراین، دید و قضاوتش عادلانه خواهد بود. افرادی که منتقدانه می‌اندیشند، می‌کوشند از نظر ذهنی منصف باشند و انصاف ذهنی نیازمند این است که بدون توجه به احساسات یا منافع شخصی خود یا گروه‌همان با دیگر دیدگاه‌ها برخوردی مشابه داشته باشیم. به طوری که این عدالت‌ورزی را در آیه «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» (بقره/۱۹۰). در جنگ باید عدالت و حق رعایت شود. بارها قرآن با جمله «لا تعتدوا» سفارش کرده که در انجام هر فرمانی از حدود تجاوز نشود و تنها افرادی که به مرحله تفکر انتقادی رسیده‌اند با عدالت به مقابله با دشمن می‌پردازند و بدون سوگیری در مقابل دشمن حاضر می‌شوند و از حدود و مرزها تجاوز نمی‌کنند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَعْتَدَى بِعَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت‌کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) پردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت» (بقره/۱۷۸). تفسیر و پیام این آیه: در قانون قصاص، اصول تساوی و عدالت مورد توجه است و خداوند می‌فرماید حکم قصاص برای حفظ حیات شماس است. همچنین آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره عدالت خداوند را در حکم به معامله و دادوستد را نشان می‌دهد.

حقیقت‌جویی

حقیقت‌جویی عاملی است که فرد را از گمراهی و ناتوانی در حل مسائل نجات می‌دهد. کسی که از نظرها ناآگاه باشد چاره او را ناتوان کند و راه چاره بر او بسته شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۷۹). حقیقت‌جویی یک میل فطری است که در درون هر انسانی ریشه دارد. گاهی اوقات به آن کنجکاوای هم گفته می‌شود. این گرایش در واقع، جزئی از حقیقت‌انسان است و در سرشت و نهاد انسان و اعماق هستی او ریشه دارد. بنابراین، کمال انسان اقتضا می‌کند تا به جستجوی حقیقت

بپردازد. در قرآن موارد بسیاری بر حق و حقیقت تکیه می‌کند و قرآن وجود این گرایش را در ما پذیرفته است و تکیه بر آن را به‌عنوان یک عامل تربیتی قبول دارد. از این رو به آیاتی برمیخوریم نظیر: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ»: این (فرمان تغییر قبله) حکم حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش» (بقره/۱۴۷). همچنین قسمتی از آیه ۲۱۳ سوره مبارکه «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اٰخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِآذْنِهِ»: در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون شد» با توجه به تفسیر و پیام این گونه آیات وجود چنین گرایشی را در انسان تأیید کرده است و در زمینه وجود چنین گرایشی از این طریق به‌طور متنوع درباره حق سخن می‌گوید؛ زیرا، اگر چنین گرایشی در انسان نباشد؛ اصولاً، این گونه تأکید بر حق بی‌معنی خواهد بود. از رهگذر وجود این گرایش با تعیین مصداق حق آن را به سوی اهداف خاص خود جهت می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، قرآن کریم اصل فطرت گرایش به حق را در انسان پذیرفته است و پس از پذیرش، از دو راه آن را تقویت و تأیید و هدایت می‌کند: یکی از راه دست‌گذاردن روی این گرایش تنبّه و توجه‌دادن انسان به وجود آن و تحریک و برانگیختن آن، و دوم از راه تعیین مصداق و شناساندن حق که باعث روشن‌تر شدن و مشخص‌تر شدن متعلق این گرایش و جهت آن و نهایتاً حرکت و فعالیت انسان به سوی شناخت و معرفت حقایق و نیز بزرگترین و بالاترین آنها که وجود خدای متعال است، می‌شود. تربیت آیه‌ای یعنی هر آیه را نشانه‌ای برای تربیت در نظر گرفتن و از آن برای تقویت تفکر انتقادی استفاده کردن است. بنابر تفاسیر ارائه‌شده از قرآن آیات ذکرشده که به مؤلفه حقیقت‌جویی اشاره دارند؛ حقیقت‌جویی از ویژگی‌های تفکر نقادانه می‌باشد و در تفکر انتقادی هدف رسیدن به ذات و حقیقت چیزهاست.

درنهایت می‌توان مؤلفه‌های تفکر انتقادی آمده در متن را در جدول زیر به‌طور خلاصه بیان

نمود:

جدول ۱. مؤلفه‌های تفکر انتقادی مستخرج از سوره مبارکه بقره

مؤلفه‌های تفکر انتقادی	آیات استخراج شده مرتبط با تربیت آیه‌ای	مؤلفه‌های استخراج شده از آیات
قصه‌گویی	فَلَمَّا أَضْرَبُوهُ بِنِعْمَتِ اللَّهِ كَذَلِكَ يُخِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (بقره/۷۳)	تکرار قصه، تقسیم‌بندی قصه به بخش‌های مختلف و بیان قصه همراه با پیام قصه
پرسشگری	كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أُمَمًا نَدِيمًا فَأَلْهَمْنَا الْكُفْرَ الَّذِي كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِهِ الْكُفْرَ الَّذِي كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِهِ الْكُفْرَ الَّذِي كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِهِ الْكُفْرَ الَّذِي كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ بِهِ (بقره/۲۸) همچنین آیات مبارکه ۲۸، ۴۴، ۳۳ و ۱۳	طرح پرسش‌های چالش برانگیز، طرح پرسش با گزاره‌های مختلف
داوری با معیار مشخص	وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)	پرهیز از تعجیل در قضاوت، معیار مشخص داشتن برای قضاوت
پرهیز از تعصب و اغراض شخصی	وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَاؤُكَ كَانِ أَتَابُؤُهُمْ لَّا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (بقره/۱۷۰)	پرهیز از تقلید کورکورانه، نگاه بدون تعصب و اغراض شخصی به امور
تمثیل	أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)	روشنگری، درک بهتر و تفهیم مطلب با تمثیل زدن
استدلال	قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَ إِنِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۲۴) و آیات مبارکه ۴۴، ۱۱	دلیل‌خواهی برای تفکر انتقادی
تحلیل	أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱)، همچنین آیات مبارکه ۲۳۰، ۲۳۶، ۱۹۶	تحلیل کردن برای رسیدن به کامل‌ترین درک
عدالت‌ورزی	وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰)، آیات مبارکه ۱۷۸ و ۲۸۲	نگاه عادلانه و بدون سوگیری
حقیقت‌جویی	لِحَقِّ مِنَ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (بقره/۱۴۷)	تکیه بر حق و حقیقت و رسیدن به حقیقت‌جویی
	۲۱۳ «فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ»	ذات و حقیقت چیزها

بنابر این یافته‌ها، این کتاب انسان‌ساز مصادیق بی‌شماری برای اندیشه و تفکر انتقادی دارد که با استنتاج و بهره‌گیری از آن می‌توان نظام تعلیم و تربیت را سرشار از آموزه‌های اسلامی کرد و انسان را به سمت سعادت بیشتر سوق داد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به آنچه که از بررسی تربیت آیه‌ای جهت ارائه مصادیقی برای تفکر انتقادی ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که تفکر انتقادی بر خلاف نظر عموم به معنای انتقاد یا عیب‌جویی نیست، بلکه نگاهی تیزبینانه است؛ یعنی توانایی اندیشیدن مستقل و منعطف است. محقق در این مقاله سعی کرد با دیدی عمیق و همه‌جانبه به بررسی تربیت آیه‌ای که تربیتی منسجم هماهنگ و نظام‌مند است، در آیات سوره بقره به جستجو پردازد و نه مؤلفه را استخراج کند که نشان می‌دهد قرآن نیز بر تفکر انتقادی تأکید دارد و تفکر انتقادی موضوعی نیست که قرآن و سنت اسلامی با آن بیگانه باشد. تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیتی در مکتب اسلام است. باتوجه به جایگاه خطیری که در اسلام به خردورزی و تفکر عاقلانه اختصاص یافته است، می‌توان به جایگاه تفکر انتقادی قرآن پی‌برد. قرآن به‌عنوان کتاب انسان‌ساز، مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوند و کتاب شناخت و تربیت انسان است و راه رسیدن به شناختی عمیق را در آیه آیه‌اش با خود دارد و در تربیت آیه‌ای خود تقویت تفکر انتقادی در نظر گرفته است. تنوعی که قرآن در ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی دارد، نه تنها سبب دلزدگی از تفکر انتقادی نمی‌شود، بلکه زمینه را برای استفاده از رویکردهای مختلف بازمی‌گذارد. بررسی تربیت آیه‌ای در سوره بقره به ما نشان داد که هر آیه قرآن نشانه‌ای از تربیت تفکر انتقادی را با خود دارد که می‌توان هر آیه را به‌عنوان راهنمایی برای انتخاب صراط مستقیم درپیش گرفت و کودکان را از همان سنین ابتدایی با این منبع الهی مأنوس نمود تا مهارت‌های این تفکر انتقادی را متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی فرا بگیرند. ابتدا به‌نظر می‌رسد که فقط آیات خاصی به اهمیت رشد این مؤلفه‌ها می‌پردازد، اما با انس بیشتر با قرآن درمی‌یابیم که همه آیات عامل ایجاد تفکر هستند. بررسی آیه به آیه به‌منظور استخراج مصادیقی برای تربیت آیه‌ای در جهت ارائه مؤلفه‌های برای تفکر انتقادی به محقق این را نشان داد که موضوع تفکر انتقادی از ابتدا در آموزه‌های دینی ما و اسلام تصریح شده است و می‌توان برای تربیت نسلی پویا و تلاشگر از تربیت آیه‌ای قرآن برای پرورش خردورزی نسل آینده کمک گرفت. باید به کودکان شیوه‌های قضاوت و تفکر درمورد زندگی خویش را آموزش داد و بهتر است که نهادهای مسئول همچون وزارت آموزش و پرورش برای پرورش این مهارت دست‌به‌کار شوند و باتوجه به اهمیت این موضوع؛ کودکانی مسلمان، متفکر و منتقد متناسب با شرایط زمان تربیت شوند. در سنین قبل

از دبستان والدین کودک می‌توانند از طریق مؤلفه‌های تفکر انتقادی استخراج شده از قرآن این نوع تفکر را در او پرورش دهند. زمینه تألیف کتب درسی چه در دوره مدرسه و چه در دوره دانشگاه مطالبی با موضوع تفکر انتقادی و تربیت آیه‌ای از آیات قرآن کریم و مصادیق تفکر انتقادی آورده شود تا مدرسان و فراگیران به بحث و بررسی در این زمینه ترغیب شوند. به‌عنوان یک موضوع پژوهشی می‌توان به بررسی قصص قرآنی برای استخراج قصه‌های قرآنی متناسب با تفکر انتقادی پرداخت.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابراهیمی‌دینانی، آرزو؛ نوروزی، رضاعلی و خنجرخانی، ذبیح‌الله (۱۳۸۷)، درآمدی بر معنا، ضرورت و کاربرد تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت، مجله علوم انسانی، ش ۷۳: ۱۱۴ - ۱۴۱.
- باقری، خسرو (۱۳۹۳)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷)، هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۶)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه رسول محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حکیمی، محمد و حکیمی، رضا (۱۳۸۶)، الحیاه، ترجمه احمد آرمان، تهران: انتشارات دلیل ما.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- ریاضی، عبدالمهدی (۱۳۸۴)، به فرزندان خود روش فکر کردن بیاموزیم، تهران: انتشارات پیک بهار.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۸۶)، تفکر و منابع آن از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش یازدهم: ۲۳ - ۴۷.
- عابدی، منیره؛ نوروزی، رضاعلی؛ مهربانی، حسینعلی و حیدری، محمدحسین (۱۳۹۸)، شناسایی مؤلفه‌های فلسفه برای کودکان در آموزه‌های امام علی (ع)، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ش ۲۸: ۱۱۵ - ۱۳۷.
- فقیهی، محمدعلی (۱۳۹۴)، بررسی تفسیری تکرار قصه حضرت موسی در قرآن، مطالعات تفسیری، ش ۶: ۷ - ۲۴.
- فعال عراقی، حسین (۱۳۸۰)، المیزان و قصص قرآن، تهران: مطالعات تاریخی قرآن و حدیث.
- فیشر، رابرت (۲۰۰۵)، آموزش تفکر انتقادی به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجریان (۱۳۸۶)، اهواز: انتشارات رشن.

- قائدی، یحیی (۱۳۸۲)، نقدی و بررسی دیدگاه‌ها و روش‌های آموزش فلسفه به کودکان، به راهنمایی میرعبدالحسین نقیب‌زاده، دانشگاه تربیت معلم، پایان‌نامه دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کریمیان، حسین؛ ناطقی، فائزه و سیفی محمد (۱۳۹۵)، تفکر انتقادی و تربیت اسلامی، وجوه افتراق و اشتراک، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، دوره چهارم: ۱۶۳ - ۱۸۱.
- کشانی، مهدیه و رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۹۵)، الگوهای تحریک و بسط تفکر در حلقه کندوکاو قرآنی، فصلنامه تفکر و کودک، ش دوم: ۲۵ - ۴۵.
- کلهر، منصوره و مهران، گلناز (۱۳۹۵)، تأثیر استراژی نقشه مفهومی بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۴۴: ۱۵۳ - ۱۷۲.
- کوکبی، مرتضی؛ حری، عباس و کتبی‌فرد، لیلا (۱۳۸۹)، بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان، مجله علمی - پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، سال اول، ش دوم: ۱۵۸ - ۱۹۳.
- مایر، چت (۱۹۴۲)، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایلی، (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی پویا، فرامرز و صالحی اکبر (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای قرآن کریم براساس مفهوم تفکر انتقادی، فصلنامه پژوهش علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۳: ۲۵ - ۵۰.
- محمودی، ایوب؛ نوروزی، رضا و نجفی، علی (۱۳۹۱)، ویژگی‌ها و ثمرات تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی(ع)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۳: ۹۳ - ۱۱۱.
- ملکی، حسن (۱۳۹۶)، بررسی هویت دینی برنامه درسی، تهران: نشر آبیژ.
- مقتدایی، لیلا؛ امیری، مجید؛ نظری، حسین و موسوی، ستاره (۱۳۹۵)، جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی(ع)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ش ۱۵: ۱۳۳ - ۱۶۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، جلد ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب(ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵)، کتاب قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، تهران: انتشارات اسوه.
- ناجی، سعید (۱۳۸۸)، برداشتی نو از تعلیم و تربیت اسلامی (بازیابی مؤلفه‌ای برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان)، مجله فرهنگ، ش ۶۹: ۱۵۱ - ۱۵۷.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات بدر.
- نقیب‌زاده، عبدالحسین (۱۳۸۷)، درآمدی به فلسفه، تهران: انتشارات طهوری.

